

## بررسی سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری استان فارس

مدینه خسروجردی<sup>۱</sup>، مهدی نوری پور<sup>۲\*</sup> و آیت اله کرمی کالوس<sup>۳</sup>

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸؛ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸)

### چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری استان فارس بود. این پژوهش نوعی تحقیق کمی است که با بهره‌گیری از شیوه پیمایش انجام شده است. داده‌های مورد نظر با کمک پرسشنامه از ۳۳۱ نفر از زنان عشایری عضو صندوق اعتبارات خرد استان فارس بدست آمد که با استفاده از فرمول کوکران به روش طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شده بودند. روایی صوری پرسشنامه توسط متخصصان توسعه روستایی و ترویج کشاورزی دانشگاه یاسوج و پایایی شاخص‌های آن از طریق انجام یک مطالعه راهنما و روش آلفای کرونباخ (۰/۷۱۲ تا ۰/۹۱۱) تأیید گردید. نتایج نشان داد که همبستگی میان سازه‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، روان‌شناختی، حمایتی و آموزشی با موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری، مثبت و در سطح ۱ درصد معنا دار بوده است. فزون بر این، موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری را می‌توان به سازه‌های اجتماعی- فرهنگی، روان‌شناختی، اقتصادی، آموزشی و سابقه عضویت در صندوق نسبت داد که ۷۹/۶ درصد موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری را تبیین کرده‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، به منظور ارتقای موفقیت صندوق اعتبارات خرد، برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی در خصوص معرفی کسب‌وکارهای درآمدزا و پایدار، افزایش مبالغ وام‌ها و شناسایی خیرین و راهنمایی آن‌ها به منظور سرمایه‌گذاری در صندوق توصیه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اعتبارات خرد، زنان عشایری، فارس، موفقیت.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

<sup>۳</sup> دانشیار اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

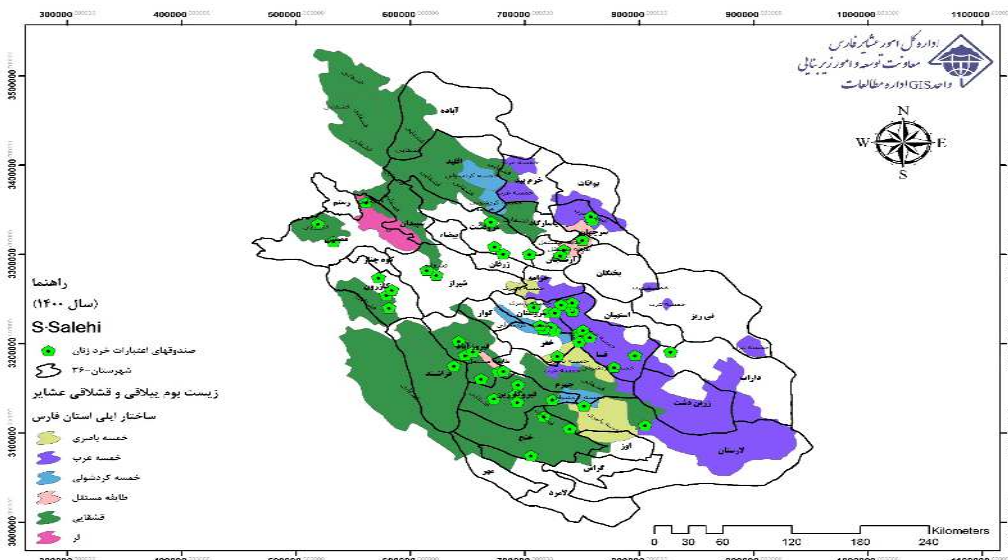
\* نویسنده مسئول، پست الکترونیک: [mnooripoor@yu.ac.ir](mailto:mnooripoor@yu.ac.ir)



زنان عشایر به‌عنوان نیمی از پیکره‌ی جامعه‌ی عشایری کشور دوشادوش و همراه با مردان در کلیه ابعاد زندگی با اشتغال خود در بخش‌های مختلف، در افزایش درآمد خانوار نقش بسزایی را ایفا می‌کنند (جمشیدی و جمشیدی، ۱۳۹۶). زنان که در پایداری خانوار عشایری، از چند جنبه نقش تعیین‌کننده، حیاتی و چندمنظوره دارند. از یک‌سو تربیت فرزندان در محیط خانواده و رسیدگی به آن‌ها بر عهده‌ی زنان است. از سوی دیگر، اقتصاد و مدیریت خانه به‌عنوان یک واحد که محل آرامش و آسایش اعضای خانواده است، بر عهده‌ی زن عشایری است (قدیری معصوم و احمدی، ۱۳۹۴). وضعیت زنان هر جامعه نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه و اعتلای کشورها در گرو استفاده‌ی هدفمند از تمامی نیروها و استعدادهای خود و از جمله زنان است (امینی و طاهری، ۱۳۹۵). در اقتصاد روستاهای ایران، زنان روستایی و عشایری علاوه بر نقش‌های کلیدی که در چارچوب اقتصاد خانواده بر عهده دارند، بخش عظیمی از نیروی شاغل در اقتصاد کل جامعه و کشور را نیز تشکیل می‌دهند. با وجود ارزش و اعتبار کار و فعالیت آن‌ها برای خانوار و اقتصاد جامعه، از نظر اجتماعی و اصولاً در موقع تصمیم‌گیری، به هیچ‌وجه نقش متناسب و همسنگ با این فعالیت‌ها نداشته‌اند و بدون هیچ شبهه‌ای باید آن‌ها را در زمره‌ی محروم‌ترین اقشار جامعه به شمار آورد (مظفر امینی و احمدی شاپور آبادی، ۱۳۸۸). یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه‌ی اجتماعی، مشارکت زنان و نحوه‌ی ایفای نقش آنان در ساختارهای اقتصادی است. متأسفانه هنوز در جوامع مختلف، به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تعادل مطلوب و قابل قبولی در امر مشارکت عادلانه زنان در جهت توسعه و بروز خلاقیت‌ها و استعدادهای آنان برقرار نشده است (نامجویان شیرازی، ۱۳۹۳). بررسی‌های انجام شده طی چند دهه‌ی گذشته نشان می‌دهد که زنان از امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر برخوردار نیستند زیرا وجود موانع و محدودیت‌های فراوان بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، هرگونه تلاشی را برای از بین بردن فقر آنان با مشکل مواجه ساخته است (همان منبع). از آنجا که ۳۰ تا ۴۰ درصد فعالیت‌های کشاورزی، به دست زنان روستایی و عشایری صورت می‌گیرد و این زنان، قابلیت‌های بسیاری برای مشارکت اقتصادی در بخش کشاورزی دارند، لازم است که این قشر فقیر و فراموش‌شده را به روش‌های مختلف وارد عرصه درآمدزایی و مشارکت اقتصادی کرد (Habibi & Zandieh, 2011) و همواره این نیاز احساس می‌شود که واجب است در زمینه‌های مختلف توانمند شوند تا از این طریق بتوانند نقش خود را در جامعه بیشتر نمایان کنند (Jackson, 2010). یکی از راهکارهای مطرح شده در دو دهه اخیر به منظور تسریع در فرآیند سرمایه‌گذاری، تقویت بنیادهای مالی و پس‌انداز در مناطق روستایی و عشایری در جهت توانمندسازی و فقرزدایی جوامع محروم، از طریق ارتقاء بهره‌وری با تأکید بر بکارگیری اعتبارات خرد بوده است (مظفری و ضیائی، ۱۳۹۶). منظور از اعتبارات خرد عمدتاً اعتبارات کوچک و وام‌هایی است که از نظر مبلغ، کوچک بوده (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸) و بدون دریافت وثیقه از طرف یک مؤسسه مالی به اقشار کم درآمد پرداخت می‌گردد (فراشی و همکاران، ۱۳۹۶). این قبیل اعتبارات برای دو هدف عمده پرداخت می‌گردد. در مواردی که هدف، مبارزه با فقر و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه به‌ویژه روستائیان و عشایر است، مقدار آن اندک ولی در مواردی که کمک برای ایجاد شغل و حرفه و ایجاد فرصت شغلی در جوامع روستایی و شهری است، مبلغ آن افزایش می‌یابد (نامجویان شیرازی و همکاران، ۱۳۹۳). اعتبارات خرد به‌عنوان راهبردی در توسعه‌ی اقتصادی با هدف دسترسی زنان کم‌درآمد به منابع اعتباری، برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها است و به‌عنوان ابزاری مؤثر در مبارزه با فقر و گرسنگی، قابلیت‌ها و ارزش‌های خود را اثبات کرده است. این ابزار، توانایی تغییر و بهبود زندگی مردم به‌ویژه زنان نیازمند را دارا می‌باشد (مظفری و ضیائی، ۱۳۹۶). اعتبارات خرد، یک نوآوری مالی است. از دیدگاه «توسعه‌ی مشارکتی»، از اعتبارات خرد انتظار می‌رود که شرایط دسترسی افراد بی‌بضاعت به خدمات مالی را بهبود بخشد. ارتقای مشارکت افراد بی‌بضاعت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و بالا بردن توان آن‌ها، از اهداف اصلی اعتبارات خرد است (Ikemi, 2011; Nor et al., 2012). در مجموع دو دیدگاه متفاوت در خصوص نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی وجود دارد. در دیدگاه اول، بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که فراهم ساختن اعتبارات خرد برای زنان فقیر موجب برقراری توازن و تعادل اجتماعی می‌شود. طرفداران این دیدگاه معتقدند که اعتبارات خرد نه‌تنها موجب بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان می‌گردد بلکه روابط و جایگاه نقش‌های جنسیتی موجود در جامعه را نیز بهبود می‌بخشد. طرفداران دیدگاه دوم بر این عقیده‌اند که اگرچه افزایش اندک درآمد و دارایی می‌تواند موجب رفاه و امنیت اقتصادی زنان شود، اما این افزایش اندک تأثیر ناچیزی بر روابط

اقتصادی و اجتماعی دارد و لذا دسترسی به اعتبارات خرد تنها می‌تواند ابزار مؤثری برای ورود زنان به مسیر توانمندی باشد (Mayoux, 1998).

بر اساس نتایج پایه‌ی آخرین سرشماری عشایر کوچنده که توسط مرکز آمار ایران به روش ثبتی مبنای انجام و در سال ۱۴۰۰ منتشر شده است، جمعیت عشایری استان فارس برابر با ۱۲۰۶۸۴ نفر قشلاقی و ۱۱۸۰۸۰ نفر بیلاقی است که سهم زنان از این جمعیت، به ترتیب ۵۶۳۴۸ نفر (۴۶.۷٪) و ۵۵۳۵۶ نفر (۴۶.۹٪) بوده که نشان از غلبه‌ی نسبت جنسیتی حدود ۱۱۳ نفری مردان به زنان در جامعه‌ی عشایر استان فارس می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). جامعه‌ی عشایر برخلاف جامعه‌ی شهری که پایه‌ی آن بر اقتصاد مصرفی (Consumption Economic) است، دارای اقتصاد تولیدی (Production Economic) است و در این نوع اقتصاد اشتراکی، زنان، نقش بسیار مهمی دارند که شامل نقش در تولید و فرآوری محصولات دامی تا تولید صنایع‌دستی بوده و سالانه حدود ۴۴ درصد صنایع‌دستی از نوع دست‌بافته‌ی استان فارس توسط جامعه‌ی عشایر که عمدتاً یک فعالیت اقتصادی زنانه است، تولید می‌گردد (اداره کل امور عشایر فارس، ۱۳۹۲). در این بین، در چند سال گذشته و در راستای توانمندسازی اقتصادی زنان (Women's Economic Empowerment) عشایر، ۵۵ صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری با ۲۴۰۰ نفر اعضا در نقاط مختلف استان فارس تشکیل و تثبیت شده است و در نقشه ۱ پراکنش این صندوق‌ها در سطح استان فارس نشان داده شده است (اداره کل امور عشایر فارس، ۱۴۰۱). اعتبارات پرداختی تا حدودی توانسته است از طریق ایجاد مشاغل کوچک و زودبازده مانند تولید صنایع‌دستی، قالی و قالیچه، کشت گیاهان دارویی، پرورش مرغ بومی و دامپروری برای زنان دریافت‌کننده‌ی وام و حتی خانواده‌های آنان، کسب درآمد و ایجاد اشتغال نماید، بنابراین توجه به این صندوق‌ها و شناسایی سازه‌های مؤثر بر موفقیت آن‌ها که زنان کم درآمد را هدف برنامه‌های خود قرار داده از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. از طرفی با توجه به ویژگی‌های خاص جامعه‌ی عشایری از جمله کوچ‌رو بودن و پراکندگی آن‌ها در نقاط مختلف استان فارس که بیشترین عشایر کشور را در خود جای داده است، تحقیقات مرتبط با این جامعه و به‌خصوص در حوزه‌ی صندوق اعتبارات خرد زنان عشایر بسیار محدود بوده است. در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری استان فارس انجام شد.



نقشه ۱- پراکنش صندوق‌های اعتبارات خرد زنان عشایری در زیست‌بوم ایل‌های عشایر و شهرستان‌های استان فارس

بر مبنای مطالعات انجام شده در زمینه‌ی موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان می‌توان دریافت که موفقیت این صندوق‌ها تحت تأثیر مجموعه عوامل متعددی بوده و صرف اعطای تسهیلات اعتباری نمی‌تواند موفقیت و ماندگاری این صندوق‌ها را به همراه داشته باشد. در این زمینه فوایدی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت صندوق اعتبارات



خرد زنان روستایی در پروژه بین‌المللی ترسیب کربن پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیرهای میزان استفاده از کانال‌های ارتباطی، میزان تسهیلات اعطایی، میزان رضایت از صندوق و دفعات جلسات آموزشی برگزار شده در زمینه صندوق بیشترین سهم را در میزان تغییرات متغیر وابسته «موفقیت صندوق» دارند و از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که برای دستیابی به موفقیت بیشتر صندوق‌ها باید به برنامه‌ریزی دقیق‌تر در زمینه این متغیرها پرداخت. احمدپور و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که همبستگی مثبت و معناداری بین عوامل اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، حمایتی، عملکردی و ویژگی‌های شخصیتی پاسخگویان با میزان موفقیت صندوق خرد وجود دارد. در آزمون رگرسیون چندگانه خطی، عوامل عملکردی صندوق، عوامل اجتماعی، حمایتی و ویژگی‌های شخصیتی پاسخگویان توانایی تبیین ۵۰/۱ درصد از تغییرات میزان موفقیت صندوق را دارا بودند. قدیری معصوم و احمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان فیروزکوه به این نتیجه دست یافتند که سن و تعداد افراد خانوار با موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد همبستگی منفی و معنادار دارد. همچنین، متغیرهای میزان تحصیلات، سازه‌های حمایتی، اقتصادی و آموزشی با موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد، همبستگی مثبت و معنادار دارند. به‌طوری‌که بر اساس نتایج بدست آمده متغیرهای سازه‌ی اقتصادی و آموزشی، ۳۹ درصد از تغییرهای متغیر موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد در زمینه‌ی توانمندسازی زنان روستایی را تبیین می‌کنند. علاوه بر این به‌منظور موفقیت صندوق اعتبارات خرد در زمینه‌ی توانمندسازی زنان روستایی، افزایش مبالغ وام‌ها، شناسایی خیرین و کمک گرفتن از آن‌ها، برگزاری نشست‌های توجیهی، برگزاری کارگاه‌های کارآفرینی و بازدید از صندوق‌های موفق توصیه شد. فراشی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به تحلیل عوامل تأثیرگذار بر توانمندسازی زنان روستایی دریافت‌کننده اعتبارات خرد در شهرستان نهاوند پرداختند. بر اساس نتایج تحلیل مسیر متغیرهای اثرگذار بر توانمندسازی زنان به ترتیب، نگرش افراد نسبت به اعتبارات خرد، میزان نظارت نهاد پرداخت‌کننده اعتبار بر نحوه مصرف وام، میزان مصرف وام در فعالیت‌های توانمندساز، آموزش نهاد پرداخت‌کننده در خصوص مصرف اعتبار و مبلغ کل وام دریافتی می‌باشد. لشگرآرا و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی سازه‌های مؤثر بر توانمندی اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد شهرستان فیروزکوه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که میزان توانمندی اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد شهرستان فیروزکوه و سازه‌های اقتصادی، آموزشی - ترویجی، اجتماعی - فرهنگی، شخصیتی - روان‌شناختی و میزان تحصیلات همبستگی مثبت و معناداری در سطح ۱ درصد خطا وجود دارد و با متغیر سن همبستگی منفی و معناداری در سطح ۱ درصد خطا وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که ۵۵/۰ درصد تغییرات واریانس توانمندی اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد به دو سازه شخصیتی - روان‌شناختی و سازه آموزشی - ترویجی بستگی دارد. بابایی امین و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به ارزیابی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در استان لرستان پرداختند. بر پایه یافته‌های آزمون همبستگی، اعضای دارای وضعیت بهتر به لحاظ درآمد، سابقه عضویت در صندوق، تعداد وام دریافتی و مبلغ وام دریافتی، نقش صندوق خرد در زندگی خود را از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی مطلوب‌تر ارزیابی کردند. بر اساس نتایج مطالعه، ارائه آموزش‌های کارآفرینانه و شناسایی خیران برای حمایت مالی بیشتر از صندوق‌ها توصیه می‌شود.

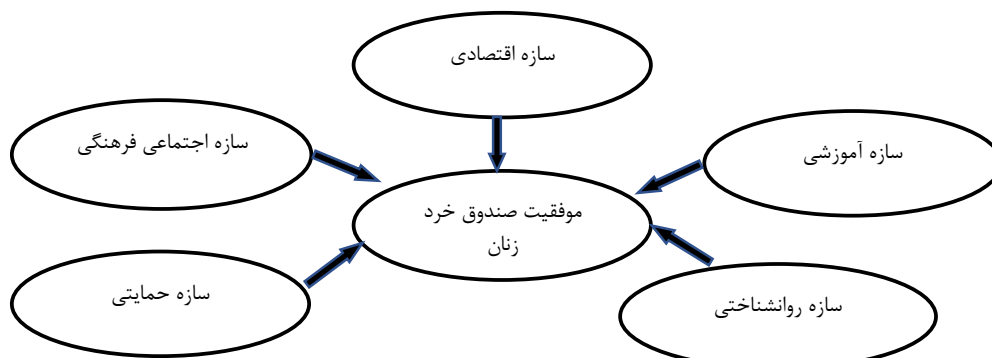
اورلاندو و سوزانتو (Orlando & Susanto, 2019) در اندونزی موفقیت بانک راکیات (Rakiat Bank) به‌عنوان یکی از سه بانک اصلی دولتی در پرداخت اعتبارات خرد را مورد مطالعه قرار دادند. این بانک بر اساس قوانین و معیارهای بانک‌های تجاری غیردولتی عمل می‌کند. به انتخاب مؤسسه بانکدار آسیایی، بانک راکیات برنده جایزه برترین کسب‌وکار تأمین مالی خرد در سال ۲۰۱۵ شده است. وظیفه‌ی اصلی بانک ارائه خدمات بانکی به جامعه روستایی از طریق جذب پس‌انداز و اعطای اعتبار به رشته فعالیت‌های متوسط، کوچک و خرد است. عملکرد بانک از زمان تأسیس در سال ۱۹۶۸ تا بحران اقتصادی شرق آسیا در اواخر سال ۱۹۹۷، بسیار سریع بوده و کل دارایی بانک به ۱۶/۷ میلیارد دلار رسیده بود. در سال ۱۹۹۸ و پس از بحران اقتصادی تجدید ساختار انجام شد که بانک را به چهار بخش راهبردی (بخش اعتبارات خرد، خرده‌فروشی، پرداخت وام به شرکت‌ها و خزانه‌داری و سرمایه‌گذاری) تقسیم کرد. بانک راکیات غیر از فقرا، طبقه متوسط را هم هدف قرار داده و در کنار خوداشتغالی، به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط هم پرداخته است. در بانک راکیات از بانکداری سیار بهره گرفته شده و



مراحل دریافت وام ساده‌سازی شده است، به طوری که مشتریان پس از دو هفته از تاریخ درخواست وام موفق به اخذ آن می‌شوند؛ اما در شیوه‌ای متفاوت با بانک گرامین، وثیقه‌ی کامل دریافت می‌شود و در عمل اتکای به معرف‌های محلی از ریسک عدم بازپرداخت وام می‌کاهد. بانک راکیات از سال ۱۹۸۸ به خوداتکایی مالی دست‌یافته و از یارانه بی‌نیاز شده است. بخش تأمین مالی خرد این بانک نزدیک به ۴۵ درصد از سهم بازار اندونزی را در اختیار دارد. آن‌ها بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده از بانک توسعه‌ی آسیا مهم‌ترین عوامل سیاستی موفقیت مؤسسه در دستیابی به این وضعیت را نرخ بهره‌ی وام‌دهی بالا، پرتفوی وام با کیفیت بالا همراه با حداقل خسارت، هزینه‌های اداری پایین، برخورداری از پس‌اندازهای زیاد و تنوع پرتفوی وام در حوزه‌های مختلف اقتصادی ابراز داشتند. افزون بر این مهم‌ترین دلیل موفقیت این بانک در سطح راهبردی را پایین‌دستی به سه اصل «سادگی»، «دسترسی» و «پایداری» بیان نمودند. رویکرد بانکداری اجتماعی این بانک سبب شده که بتواند برای ده سال پیایی، نرخ تسهیلات غیرجاری خود را کمتر از ۲ درصد نگه دارد. در این رویکرد، به جای برآیند تراکنش‌های بانک، بر روی روابط اجتماعی تأکید می‌شود. این به معنای کسب ذخایر از همان محلی است که وام‌ها پرداخت می‌شوند. زهید محمود و همکاران (Zahid Mahmood et al., 2017) موفقیت و پیوند صندوق اعتبارات خرد اسلامی و رفاه خانوار در مناطق روستایی پاکستان را مورد بررسی قرار دادند. این مطالعه به منظور سنجش تأثیر اعتبارات خرد اسلامی بر رفاه خانوار مشتریان هدف با مشاهده‌ی تأثیر آن بر سلامت، آموزش، درآمد، هزینه‌ها و دارایی‌های فقرا که از مؤسسات مالی خرد اسلامی (IMFIs) وام گرفته‌اند، انجام شد. تأمین مالی خرد اسلامی در حوزه‌ی تولید (و نه مصرف) می‌باشد. مطالعه بر اساس داده‌های اولیه و ارزیابی با رویکرد پیش و پس از آزمون با استفاده از آزمون تی همبسته و تحلیل رگرسیون به‌عنوان ابزارهای آماری انجام شد. پاسخ‌دهندگان از سه مؤسسه مالی خرد به نام‌های بنیاد آخوات (Akhawat)، بنیاد فارز (Farz) و نایمت (Naymet) انتخاب شدند. هدف اصلی این مؤسسات کاهش فقر و ارتقای توانمندی زنان از طریق ارائه‌ی اعتبارات مالی خرد بدون بهره به فقرا است. روش کار مؤسسات بدین صورت است که فرایند تأمین مالی خرد را در دو مرحله به اجرا می‌گذارند. ابتدا تأمین مالی خرد از طریق عقود مبادله‌ای (که نرخ بازدهی ثابتی دارند) ارائه می‌شود و پس از آن و در صورتی که گروه دریافت‌کننده‌ی تأمین مالی خرد در مرحله‌ی اول موفق به اثبات توانمندی خود در جهت استفاده‌ی صحیح از منابع و همچنین تعهد خود در زمینه‌ی بازپرداخت وام دریافتی گردید، آنگاه مؤسسه‌ی مذکور وارد مرحله‌ی دوم پروژه شده و وام‌های مشارکتی در اختیار این گروه موفق قرار می‌دهد. نتایج پژوهش تفاوت‌های آماری معناداری را در سناریوهای قبل و بعد از دریافت اعتبار در شاخص‌های رفاه خانوارهای هدف نشان داد و مشاهده شد که استقراض از مؤسسات مالی خرد اسلامی درآمد ماهانه و دارایی‌های خانوار را به میزان قابل توجهی افزایش داده و نقش مهمی در توانمندسازی مشتریان داشته است. روبل و همکاران (Rubel et al., 2019) به بررسی اثرات اعتبارات خرد بر توانمندسازی زنان در منطقه شمالی بنگلادش (مطالعه موردی: صندوق اعتبارات خرد رانچپور دیناچپور (Rangpur & Dinajpur)) پرداختند. این مطالعه به منظور بررسی نقش اعتبارات خرد در توسعه‌ی وضعیت اجتماعی اقتصادی زنان از نظر شرایط زندگی، درآمد، هزینه و پس‌انداز در منطقه‌ی شمالی بنگلادش به‌عنوان نمونه‌ای از تأمین مالی خرد موفق انجام شد. از خدمات ویژه‌ی این مؤسسه‌ی اعتباری، پرداخت وام‌های اندک به زنان فقیر است که بازپرداخت آن‌ها اقساط هفتگی در طول بیش از یک سال است. این مؤسسه وام‌های کوچک می‌پردازد که بیشتر از ۱۷۵ دلار وام نمی‌دهد. هدف اصلی این مؤسسه بهبود شرایط فقرای روستایی از راه فراهم کردن دسترسی آن‌ها به اعتبارات و برخی برنامه‌های اجتماعی غیرمالی است. در این پژوهش در مجموع ۲۴۷ زن (وام‌گیرنده‌ی اعتبار خرد) به صورت تصادفی به‌عنوان نمونه‌ی پژوهش انتخاب شدند. نتایج مشخص نمود که ویژگی‌های شخصی این زنان از جمله سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و سابقه‌ی کار بر تصمیم‌گیری آن‌ها در نوع طرح اعتبار خرد که عمدتاً سنتی و خانگی است تأثیر گذاشته است. تأثیر اقتصادی اعتبارات خرد بر خانواده‌های پاسخگو نشان داد که اعتبارات خرد مشکلات اقتصادی زنان را کاهش داده و به افزایش توانمندی اقتصادی کمک نموده و همچنین پس از گرفتن وام یا مشمول اعتبارات خرد، درآمد، هزینه و پس‌انداز خانواده‌ی آن‌ها به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. توانمندسازی اقتصادی به توانمندسازی اجتماعی فرهنگی بیشتر به‌ویژه در داشتن شبکه‌های اجتماعی گسترده‌تر، آزادی تحرک و دگرگونی روابط قدرت با توجه به تسهیل ارتباط با همسران در موضوعاتی مانند مدیریت خانواده منجر شده است. به طوری که توانمندسازی اقتصادی از طریق افزایش درآمد به سعادت خانواده، بهبود

شرایط زندگی، حمایت از آموزش کودکان و افزایش امکانات اولیه و ثروت نیز کمک نموده است. یافته‌های این مطالعه نشان داد که اعتبارات خرد نقش مهمی در توانمندسازی زنان در بنگلادش داشته است. شارما و کانتا و ارما (Sharma & Kanta, 2008) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که مشارکت زنان در فعالیت‌های تولیدی درآمدزا، به‌طور کلی به توانمندسازی زنان در ابعاد مختلف کمک می‌کند. در مطالعه‌ای نیز هوگ و ایتوهارا (Hoque & Itohara, 2009) در بنگلادش نشان دادند که اگرچه صندوق‌های اعتبارات خرد در زمینه‌ی توانمندسازی زنان روستایی موفق بوده‌اند، اما توانمندسازی آن‌ها تنها به بعد اقتصادی محدود و از ابعاد توانمندسازی اجتماعی، سیاسی و خانوادگی غافل بوده‌اند. به گفته‌ی رکسین و همکاران (Roxin *et al.*, 2010) اعتبارات خرد می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر توانمندی اقتصادی زنان تأثیر بگذارد، تأثیر محدودی در توانمندی اجتماعی آن‌ها داشته باشد و هیچ تأثیری در توانمندسازی سیاسی آن‌ها نداشته باشد. در نیجریه فاسورانتی (Fasoranti, 2010) به بررسی پژوهشی با عنوان تأثیر اعتبارات خرد در کاهش فقر در میان ساکنان مناطق روستایی پرداخت. نتایج نشان داد که برنامه‌ی اعتبارات خرد دارای آثار مثبت روی شاخص‌های اقتصادی خانوار مانند درآمد، پس‌انداز، هزینه‌های مصرف و کسب سرمایه بوده و شروع برنامه در مناطق مورد مطالعه موجب بهبود قابل توجه استانداردهای زندگی افراد شده است. محققانی همچون تیفور و هافیز (Twyeafur & Hafiz, 2012) بیش از سه سال به بررسی نگرش ذینفعان نسبت به برنامه اعتبار خرد پرداختند. هدف این بود که نگرش ذینفعان نسبت به رفاه آن‌ها را تحت برنامه اعتبار خرد بررسی کنند. از وام‌گیرندگان سوآلاتی در مورد درآمد، آموزش، وضعیت اقتصادی، بازپرداخت‌ها، مهارت‌های تجاری، مهارت‌های فنی، آگاهی اجتماعی و آموزش کودکان پرسیده شد. این مطالعه نشان داد که اکثریت قریب به اتفاق وام‌گیرندگان نگرش مثبتی نسبت به برنامه‌ی اعتبار خرد داشتند که نشان می‌دهد ذینفعان می‌توانند از طریق مشارکت طولانی‌مدت، میزان وام قرض گرفته شده و آموزش ارائه‌شده توسط برنامه و وضعیت اقتصادی اجتماعی خود را بهبود بخشند. در مطالعه‌ای کومار و همکاران (Kumar *et al.*, 2013) نتیجه گرفتند که برنامه‌های اعتبار خرد در بنگلادش به زنان کمک می‌کند تا استقلال بیشتری داشته باشند، در روند تصمیم‌گیری شرکت کنند و اعتبارات بیشتری دریافت کنند. در مطالعه‌ای کیریتی و ساکوا (Kireti & Sakwa, 2014) نشان دادند که دسترسی به خدمات اعتبار خرد باعث افزایش سطح درآمد، افزایش سهام و تولیدات شرکت و همچنین افزایش هزینه‌های خدمات بهداشتی و آموزشی شد. از سوی دیگر، در دسترس بودن خدمات پس‌انداز خرد برای زنان، منابع سرمایه‌ای را برای تأمین خدمات آموزش و مراقبت‌های بهداشتی افزایش داد، سطح درآمد نامنظم را هموارتر کرد تا نیازهای مصرفی را مدیریت کنند و همچنین درآمدزایی را برای تولید ثروت افزایش دهد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که تأثیرات خدمات بیمه خرد، زنان را قادر به ایجاد پیوندهای اعتماد قوی‌تر، ایجاد شبکه‌های اجتماعی بیشتر و همچنین ایجاد انگیزه برای مشارکت در فعالیت‌های توسعه کرده است. سرانجام تأثیرات خدمات غیرمالی از طریق سرمایه‌های خرد، سطح درآمد را تثبیت کرد که محدودیت‌های تولید را کاهش داد، مهارت‌های درون فردی مانند مهارت‌های ارتباطی را بهبود بخشید و در آخر این برنامه باعث شد که این طرح یک روش خوب در زمینه‌ی اقدامات پیشگیرانه بهداشتی برای رفاه مردم باشد. کوموری و همکاران (Kuumuori *et al.*, 2014) در پژوهش خود بیان نمودند که برخی از زنان از طریق دسترسی به اعتبارات خرد توانمند شده و به دنبال آن موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد ایجاد شده است، اما برخی که دسترسی کمتری به اعتبارات داشتند تغییری در وضعیت آن‌ها ایجاد نشد. در مطالعه‌ای تروملرووا و همکاران (Trommlerová *et al.*, 2015) به این نتیجه رسیدند که جنسیت، سن، وضعیت تأهل، فعالیت‌های اقتصادی و سلامت از شاخص‌های مهم در موفقیت صندوق‌های خرد و توانمندسازی در دو سطح فردی و محلی هستند. کومار سدای و همکاران (Kumar Sedai *et al.*, 2021) در پژوهش خود دریافتند که طرح‌های اعتباری خرد باعث افزایش استقلال و آزادی اجتماعی اقتصادی زنان، افزایش قدرت چانه‌زنی، خرید، تصمیم‌گیری و انتخاب برای باروری زنان کشور هند شده است. در جمع‌بندی مبانی نظری و نتایج پژوهش‌های انجام شده، مشخص شد که فعالیت صندوق اعتبارات خرد زنان سبب دسترسی بیشتر زنان به منابع اعتباری شده، بر مشارکت اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی آنان افزوده و شاخص‌های اقتصادی خانوارهای روستایی را بهبود بخشیده است. به‌طور کلی میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان از سازه‌های اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، حمایتی، آموزشی و روان‌شناختی اعضا تأثیر می‌پذیرد. بر این اساس چارچوب نظری و الگوی پیشنهادی زیر برای اجرای این پژوهش ارائه می‌گردد (نگاره ۱).





نگاره ۱- چارچوب نظری پژوهش با توجه به مطالعات انجام شده

### روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات کمی، با توجه به هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها جزء تحقیقات توصیفی - همبستگی می‌باشد که با استفاده از فن پیمایش در استان فارس انجام شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش، زنان عشایری عضو صندوق اعتبارات خرد استان فارس بودند. در استان فارس ۵۵ صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری وجود دارد که بر اساس آخرین اطلاعات دریافت شده از اداره‌ی کل امور عشایر استان فارس در سال ۱۴۰۱ تعداد اعضای صندوق‌ها ۲۴۰۰ نفر می‌باشد (N) که با استفاده از فرمول کوکران ۳۳۱ عضو به‌عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه انتخاب شدند. در این فرمول (n) بیانگر حجم نمونه و (N) نماد جمعیت آماری است. (p) مقدار نسبت صفت موجود در جامعه است و مقدار آن ۰/۵ می‌باشد. در این حالت مقدار واریانس به حداکثر مقدار خود می‌رسد. (q) درصد افرادی که فاقد آن صفت در جامعه هستند، (q = 1 - p) که برابر ۰/۵ می‌باشد. (Z) مقدار متغیر نرمال واحد استاندارد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر ۱/۹۶ می‌باشد. (d) مقدار خطایی است که در اندازه‌گیری متغیر مورد نظر قابل تحمل است که مقداری بین ۰/۰۱ تا ۰/۱ را می‌گیرد و برابر ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.

$$n = \frac{\frac{p \cdot q \cdot Z^2}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[ \left( \frac{p \cdot q \cdot Z^2}{d^2} \right) - 1 \right]}$$

$$n = \frac{\frac{0/5 \times 0/5 \times 1/96^2}{0/05^2}}{1 + \frac{1}{2400} \left[ \left( \frac{0/5 \times 0/5 \times 1/96^2}{0/05^2} \right) - 1 \right]} = 331$$

بعد از تخمین حجم کلی نمونه، متناسب با کل تعداد اعضا در هر صندوق، درصدی از حجم نمونه به آن‌ها اختصاص داده شد. به منظور دستیابی به داده‌های پژوهش، از پرسشنامه ساختارمند و محقق‌ساخته‌ی متشکل از سه بخش استفاده شد. بخش اول شامل ویژگی‌های فردی پاسخگویان و بخش دوم مقیاسی برای سنجش سازه‌های پژوهش بود. در این بخش سازه‌های پژوهش از جمله اقتصادی (۱۰ گویه)، اجتماعی فرهنگی (۱۹ گویه)، حمایتی (۸ گویه)، روان‌شناختی (۲۳ گویه) و آموزشی (۱۱ گویه) با گویه‌های طیف لیکرتی (۱- خیلی کم تا ۵- خیلی زیاد) سنجش شد (جدول ۱). بخش سوم پرسشنامه به سنجش موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری اختصاص داشت. در این بخش، برای سنجش موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان عشایری ۱۴ گویه در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (۱- خیلی کم تا ۵- خیلی زیاد) تدوین شد (جدول ۱). به‌منظور تعیین اعتبار و روایی پرسشنامه از روایی صوری استفاده شد. برای مشخص نمودن روایی صوری، از پانل متخصصان (اعضای هیأت علمی گروه مدیریت توسعه روستایی دانشگاه یاسوج) بهره گرفته شد. در نهایت پس از دریافت نظرات، اصلاحات لازم انجام و روایی آن مورد تأیید قرار گرفت. برای انجام پایایی ابزار پژوهش، مطالعه‌ی پایلوت در خارج از جامعه‌ی آماری در شهرستان سمیرم استان اصفهان توسط ۳۰ نفر از زنان عشایری عضو صندوق اعتبارات خرد انجام شد. پس از انجام این مطالعه، آماره‌ی آلفای کرونباخ به‌منظور تعیین پایایی پرسشنامه‌ها برآورد شد و بر اساس نتایج آن، ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای مورد مطالعه از ۰/۷۱۲ تا ۰/۹۱۱ برآورد شد. در این پژوهش، پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS<sub>ver24</sub>، از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و فراوانی) و آمار استنباطی (ضرایب همبستگی و رگرسیون گام به گام) به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردیده است.



جدول ۱- سازه‌ها و گویه‌های مورد مطالعه

سازه	گویه‌ها	منابع
اقتصادی	آشنایی با تسهیلات درآمدزا، بهبود فرصت‌های درآمدی و تحرک بخشی به اقتصاد خانواده، رضایت از مبلغ وام دریافت شده از صندوق، توانایی بازپرداخت اقساط وام و تناسب آن با وضعیت درآمدی، رضایت از نرخ بهره‌ی وام دریافت شده از صندوق، رضایت از نحوه نظارت بر چگونگی مصرف وام دریافت شده از صندوق، رضایت از قوانین و مقررات دریافت وام از منبع صندوق با توجه به توانایی اقتصادی زنان، داشتن اختیار کامل در استفاده از وام، توانایی زنان در استفاده از وام دریافت شده از صندوق، افزایش دارایی زنان در خانواده با عضویت در صندوق خرد	سعدی و عرب مازار (۱۳۸۴)، قدیری معصوم و احمدی (۱۳۹۴)، فراشی و همکاران (۱۳۹۸) Roxin <i>et al</i> (2010), Fasoranti (2010), Zahid Mahmood <i>et al</i> (2017), Rubel <i>et al</i> (2019)
اجتماعی فرهنگی	مشارکت زنان در مدیریت صندوق از طریق اموری نظیر شرکت در جلسه‌های ماهیانه و انتخابات صندوق، مشورت با اعضا در امور صندوق برای تصمیم‌گیری بهتر، توجه به انجام کارها به صورت گروهی، مشورت در بین زنان و یافتن راه‌حل برای مشکلات (اجتماعی، خانوادگی، کاری و ...)، توجه به زنان به عنوان عضوی از یک جامعه عشایری، توجه به نقش مادری زنان، توجه به نقش همسری زنان، سلامت روحی و احساس سرخوشی از زندگی، امید به آینده در زنان و فرزندانشان، برخورداری از اختیارات بیشتر زنان در خانه، احترام به زنان از طرف مردان بنکو، درک زنان از جانب مردان بنکو، ارزشمند شدن کار زنان از دید خودشان، ارزشمند شدن کار زنان از دید خانواده، ارزشمند شدن کار زنان از دید آشنایان و اطرافیان، تلاش و اشتیاق زنان در جهت حفظ آداب و رسوم محلی، تلاش و اشتیاق زنان در جهت حفظ قومیت، تلاش و اشتیاق زنان در جهت حفظ لباس محلی، تلاش و اشتیاق زنان در جهت حفظ زبان محلی	کوشکی و همکاران (۱۳۹۰)، احمدپور و همکاران (۱۳۹۳)، لشگرآرا و همکاران (۱۳۹۹) Tweyafur & Hafiz (2012), Rubel <i>et al</i> (2019)
حمایتی	حمایت از فعالیت‌های زنان عضو صندوق توسط هیئت‌مدیره صندوق، مدیرعامل، خیرین، کارشناس اداره امور عشایر شهرستان، کارشناسان اداره کل امور عشایر فارس، اعضای شورای اسلامی عشایری، خانواده و فامیل، دوستان و آشنایان	احمدپور و همکاران (۱۳۹۳)، قدیری معصوم و احمدی (۱۳۹۴)
روان‌شناختی	افزایش اعتماد به نفس و توانایی برقراری ارتباط بهتر با دیگران، افزایش خلاقیت، نوآوری و ابتکار عمل، توانایی در گفتگو، چانه‌زنی و متقاعد کردن مردان، پشتکار، احساس مفید بودن برای خود، احساس مفید بودن برای خانواده و جامعه، انگیزه و علاقه شخصی، شجاعت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی، خودباوری نسبت به توانایی‌های خود، اقتدار، خودکارآمدی، صبر و بردباری، آینده‌نگری، استقلال‌طلبی، مسئولیت‌پذیری، کنترل و سرسختی روانی، تعهد در کار، نیاز به پیشرفت، عزم و اراده، ریسک‌پذیری، صرف وقت برای انجام کارهای عام‌المنفعه، وفاداری قوی به دوستان و خانواده، تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های خانواده	بابایی امین و همکاران (۱۳۹۹) Kumar <i>et al</i> (2013), Kumar Sedai <i>et al</i> (2021)
آموزشی	برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارتی، بازدیدهای آموزشی، تسهیلگری، توزیع کتاب‌های مربوط به مهارت‌هایی مانند پرورش طیور، سبزیجات، صنایع‌دستی و غیره، برگزاری کارگاه و سمینار، چاپ مجلات، نشریات و بروشورهای آموزشی، آموزش مستمر اعضا، هیئت مدیره و مدیر عامل صندوق، آشناسازی زنان عضو با مشاغل جدید و بازار، افزایش دانش بازاریابی اعضا، راه‌اندازی و آموزش بازار فروش آنلاین برای اعضا، آموزش الکترونیک و بسته‌های آموزشی در قالب گروه‌های فضای مجازی	فوائدی و همکاران (۱۳۹۰)، شریفی و همکاران (۱۳۹۴)، فراشی و همکاران (۱۳۹۸) Kireti & Sakwa (2014)
موفقیت صندوق خرد زنان	خود اشتغالی (ایجاد کسب‌وکار جدید) برای زنان عشایری، استقلال مالی و خوداتکالی زنان عشایر، ترویج فرهنگ پس‌انداز در بین زنان عشایری، افزایش دسترسی زنان عشایری به وام، برابری فرصت‌های بین زنان و مردان عشایری، کاهش فقر و محرومیت در جامعه عشایری و به‌خصوص بین زنان عشایر، ارزش آفرینی در محصولات تولیدی زنان عشایر و اعضای صندوق‌ها، ارتقاء مهارت‌های فردی و اجتماعی اعضا، بهبود سطح معیشت زنان در جامعه‌ی عشایری، تحکیم روابط اجتماعی زنان در جامعه‌ی عشایری، فراهم‌سازی زمینه‌ی مشارکت زنان عشایری در سطوح بالاتر مدیریت و تصمیم‌گیری، افزایش سطح تعامل زنان عشایری و گسترش سرمایه‌ی اجتماعی در بین آن‌ها، گسترش مشاغل خانگی در جامعه‌ی زنان عشایری، افزایش ضریب امنیت غذایی در خانوارهای عشایری	فوائدی و همکاران (۱۳۹۰)، احمدپور و همکاران (۱۳۹۳)، قدیری معصوم و احمدی (۱۳۹۴) Fasoranti (2010), Kireti & Sakwa (2014), Trommlerová <i>et al</i> (2015)



یافته‌ها و بحث

الف) ویژگی‌های فردی پاسخگویان

یافته‌های حاصل از تحلیل توصیفی ویژگی‌های فردی پاسخگویان حاکی از آن بود که بیشترین فراوانی سن پاسخگویان مربوط به رده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال بوده که ۱۶۷ نفر و معادل ۵۰/۵ درصد می‌باشد. از میان ۳۳۱ پاسخگو، ۱۱ نفر مجرد (۳/۳ درصد)، ۲۸۸ نفر متأهل (۸۷ درصد)، ۱۴ نفر مطلقه (۴/۲ درصد) و ۱۸ نفر سرپرست خانوار (۵/۴ درصد) بودند. به‌منظور تعیین سطح تحصیلات پاسخگویان، تعداد سال‌های تحصیل آن‌ها ملاک سنجش قرار گرفت که نتایج نشان داد که بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات مربوط به مقطع ابتدایی (۱۱۴ نفر) می‌باشد. از طرفی میانگین سابقه‌ی عضویت در صندوق خرد زنان ۴/۸۷ سال با انحراف معیار ۱/۵۹ بوده. همچنین حداقل سابقه‌ی عضویت در صندوق خرد زنان ۲ سال و حداکثر ۷ سال می‌باشد. نتایج درآمد ماهانه پاسخگویان نشان داد که ۴۸ نفر معادل ۱۴/۲ درصد از پاسخگویان درآمد زیر ۱ میلیون تومان، ۱۹۲ نفر معادل ۵۸ درصد درآمد ۱ تا ۲ میلیون، ۸۲ نفر معادل ۲۴/۸ درصد درآمد ۲ تا ۳ میلیون، ۱۰ نفر معادل ۳ درصد درآمد ۳ تا ۴ میلیون داشته‌اند و از طرفی هیچ یک از پاسخگویان اظهار به دریافت درآمد بالای ۴ میلیون نداشته‌اند. بعد از تحلیل داده‌های مربوط به تعداد اعضای خانوار، این نتیجه حاصل شد که میانگین تعداد اعضای خانوار، ۴/۰۴ با انحراف معیار ۰/۹۲ بوده، همچنین کمترین اعضای خانوار در میان پاسخگویان ۲ نفر و بیشترین تعداد اعضای خانوار ۷ نفر می‌باشد. میانگین وام دریافت شده از صندوق، ۶۱۵۷۰۹۹ تومان برآورد شد. از نظر شغل نیز ۸۸ نفر (۲۶/۶ درصد) در زمینه‌ی کشاورزی، ۱۷۱ نفر (۵۱/۷ درصد) در زمینه‌ی دامداری، ۴۸ نفر (۱۴/۵ درصد) در زمینه‌ی تولیدات صنایع دستی و ۲۴ نفر (۷/۳ درصد) در زمینه‌ی فرآورده‌های لبنی فعالیت داشتند.

ب) توصیف سازه‌های مورد مطالعه

یافته‌های حاصل از تحلیل توصیفی موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری بیانگر این است که میانگین سازه اقتصادی زنان عشایری در زمینه‌ی موفقیت صندوق اعتبارات خرد، ۳/۶۴ با انحراف معیار ۰/۳۹ بوده است که در وضعیت بالای متوسط ارزیابی گردید (جدول ۲). میانگین سازه اجتماعی فرهنگی زنان در موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان ۳/۹۸ با انحراف معیار ۰/۴۹ بوده که در سطح بالای متوسط قرار دارد. همچنین میانگین و انحراف معیار سازه حمایتی زنان عشایری در موفقیت صندوق اعتبارات خرد، به ترتیب ۳/۴۴ و ۰/۴۸ بوده است که در سطح متوسط رو به پایین قرار دارد. از سوی دیگر، میانگین سازه روان‌شناختی در موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری، ۳/۸۶ با انحراف معیار ۰/۴۹ می‌باشد که در سطح بالای متوسط قرار دارد. همچنین میانگین سازه آموزشی در زمینه‌ی موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان ۲/۵۲ با انحراف معیار ۰/۴۶ می‌باشد که در وضعیت کمتر از متوسط ارزیابی گردید. افزون بر این، موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری با میانگین و انحراف معیار ۳/۸۸ و ۰/۴۵ در سطح بالای متوسط قرار دارد.

جدول ۲- توصیف سازه‌های مورد بررسی

سازه	میانگین*	انحراف معیار
اقتصادی	۳/۶۴	۰/۳۹
اجتماعی فرهنگی	۳/۹۸	۰/۴۹
حمایتی	۳/۴۴	۰/۴۸
روان‌شناختی	۳/۸۶	۰/۴۹
آموزشی	۲/۵۲	۰/۴۶
موفقیت صندوق خرد زنان عشایری	۳/۸۸	۰/۴۵

\* دامنه‌ی میانگین از خیلی کم= ۱ تا خیلی زیاد= ۵ می‌باشد.



## بررسی سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری استان فارس

### ج) بررسی همبستگی بین متغیرهای مستقل پژوهش و موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری

به‌منظور بررسی همبستگی بین سازه‌های مورد مطالعه و موفقیت صندوق خرد زنان عشایری، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون همبستگی در جدول ۳ نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، همبستگی میان سازه اقتصادی با موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری در حد بالا معنادار است ( $r=0/656$ ،  $p=0/001$ ). همچنین، همبستگی بین سازه اجتماعی فرهنگی با موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان، مثبت و در سطح ۱ درصد معنادار می‌باشد و همبستگی آنان در حد خیلی بالا توصیف شده است ( $r=0/852$ ،  $p=0/001$ ). همبستگی بین متغیرهای سازه حمایتی و موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان، مثبت و در سطح ۱ درصد معنادار می‌باشد ( $r=0/471$ ،  $p=0/001$ ). همچنین با توجه به ضریب همبستگی، شدت همبستگی سازه حمایتی با موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان در حد متوسط توصیف شده است. بین سازه روان‌شناختی و وضعیت موجود صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری همبستگی مثبت و معناداری در سطح ۱ درصد برقرار شده است و شدت همبستگی آنان نیز در حد پایین توصیف شده است ( $r=0/204$ ،  $p=0/001$ ). همبستگی بین سازه آموزشی و موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری مثبت و در سطح ۱ درصد معنادار بوده و همبستگی آنان در حد متوسط توصیف شده است. ( $r=0/451$ ،  $p=0/001$ ).

جدول ۳- همبستگی سازه‌های مستقل پژوهش و موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری

متغیرهای مستقل مورد سنجش	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معناداری (p)	توصیف همبستگی
سازه اقتصادی	۰/۶۵۶**	۰/۰۰۰	بالا
سازه اجتماعی فرهنگی	۰/۸۵۲**	۰/۰۰۰	خیلی بالا
سازه حمایتی	۰/۴۷۱**	۰/۰۰۰	متوسط
سازه روان‌شناختی	۰/۲۰۴**	۰/۰۰۰	پایین
سازه آموزشی	۰/۴۵۱**	۰/۰۰۰	متوسط

\*\* معناداری در سطح ۱ درصد

### د) بررسی همبستگی بین متغیرهای جمعیت‌شناختی زنان با موفقیت صندوق اعتبارات خرد

به‌منظور بررسی همبستگی بین متغیرهای سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، میزان درآمد (ماهانه) و شغل با موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری از همبستگی اسپیرمن و به منظور بررسی همبستگی بین متغیرهای تعداد اعضای خانواده و میزان وام دریافت شده از همبستگی پیرسون استفاده شده است. همان‌طور که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود متغیر وضعیت تأهل با موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان دارای رابطه مثبت و معنادار در سطح ۱ درصد ( $r=0/150$ ،  $p=0/006$ ) و متغیر میزان وام دریافت شده نیز با موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری دارای همبستگی مثبت و معنادار در سطح ۵ درصد ( $r=0/112$ ،  $p=0/041$ ) می‌باشند و شدت همبستگی این دو متغیر نیز در حد پایین توصیف شده است.

جدول ۴- همبستگی متغیرهای جمعیت‌شناختی با موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری

متغیر مستقل مورد سنجش	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (p)	توصیف همبستگی
سن <sup>††</sup>	۰/۰۳۳	۰/۵۴۶	-
وضعیت تأهل <sup>††</sup>	۰/۱۵۰**	۰/۰۰۶	پایین
سطح تحصیلات <sup>††</sup>	۰/۰۵۵	۰/۳۲۲	-
میزان درآمد (ماهانه) <sup>††</sup>	-۰/۰۳۰	۰/۵۸۶	-
سابقه‌ی عضویت در صندوق (سال) <sup>†</sup>	-۰/۰۸۱	۰/۱۴۲	-
تعداد اعضای خانواده <sup>†</sup>	-۰/۰۸۵	۰/۱۲۵	-
میزان وام دریافت شده <sup>†</sup>	۰/۱۱۲*	۰/۰۴۱	پایین
شغل <sup>††</sup>	-۰/۰۹۰	۰/۱۰۳	-

<sup>††</sup> ضریب همبستگی اسپیرمن

\* معناداری در سطح ۵ درصد

<sup>†</sup> ضریب همبستگی پیرسون

\*\* معناداری در سطح ۱ درصد

ه) مقایسه میانگین درآمد حاصل از عضویت در صندوق خرد زنان برحسب وضعیت تأهل

در پژوهش حاضر پس از بررسی همبستگی بین سازه‌های مستقل پژوهش با موفقیت صندوق خرد زنان عشایری، به منظور مقایسه درآمد حاصل از عضویت در صندوق خرد زنان عشایری برحسب وضعیت تأهل از آزمون ناپارامتری کروسکالوالیس بهره گرفته شد. نتایج به دست آمده در جدول ۵ نشان می‌دهد که بین درآمد پاسخگویان برحسب وضعیت تأهل (مجرد، متأهل، سرپرست خانوار و مطلقه) در سطح ۵ درصد تفاوت معناداری وجود دارد و زنان متأهل با دارا بودن میانگین ۱۷۰/۹۳ از وضعیت بهتری نسبت به درآمد حاصل از عضویت در صندوق اعتبارات خرد برخوردار بوده و زنان سرپرست خانوار با میانگین ۱۰۱/۴۷ نسبت به سایر گروه‌ها از وضعیت درآمدی پایین‌تری برخوردار هستند. بیشتر زنان عشایر از نظر جایگاه فرهنگی و سطح تحصیلات در موقعیتی نیستند که بتوانند در جهان امروز بدون حمایت از طرف خانواده در بعد اقتصادی مستقل شوند. آن‌ها به دلیل نقش‌های متعدد نسبت به زنان هم‌طراز خود، دوری مناطق عشایری به شهر و انزوای جغرافیایی امکان تحصیلات کمتری دارند و نسبت باسوادی در بین‌شان پایین است؛ بنابراین زنانی که متأهل بوده و حمایت بیشتری از طرف همسرانشان دریافت می‌کنند باعث توسعه و تقویت کسب‌وکارهای خانگی آن‌ها شده و فرصتی برای استفاده از ظرفیت تک‌تک اعضای خانوار به منظور کمک به تأمین معیشت و افزایش درآمد زنان است. همچنین جدای از کمیت درآمد دریافتی، حس استقلال مالی و داشتن منبع مالی برای زنان دارای همسر همراه با احساس قدرت است. افزون بر این بالا رفتن قدرت خرید، اختیار در خرج و مخارج شخصی، قدرت کمک مالی به اطرافیان همه و همه می‌توانند به صورت غیر مستقیم عزت‌نفس آنان را بالا ببرد و تمایل و تلاش بیشتری برای موفقیت در کسب‌وکارهای خود و افزایش درآمد داشته باشند.

جدول ۵- مقایسه درآمد حاصل از عضویت در صندوق خرد زنان برحسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	تعداد	میانگین	ملاک $\chi^2$	سطح معناداری
مجرد	۱۱	۱۵۴/۷۳		
متأهل	۲۸۸	۱۷۰/۹۳		
مطلقه	۱۴	۱۵۶/۴۳	۹/۲۷۹	۰/۰۲۶
سرپرست خانوار	۱۸	۱۰۱/۴۷		

و) بررسی پیش‌بینی‌پذیری میزان تغییرات موفقیت صندوق خرد زنان عشایری، بر اساس سازه‌های مستقل پژوهش

به منظور پیش‌بینی میزان تغییرات موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری بر اساس سازه‌های مستقل، از روش رگرسیون چندگانه به روش گام به گام (Stepwise)، تحت نرم‌افزار SPSS<sub>ver24</sub> بهره گرفته شد. نتایج نشان داد با توجه به معنادار بودن آزمون F، تحلیل رگرسیون مناسب بوده و لذا موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری از طریق سازه‌های تحقیق قابل پیش‌بینی هستند. آزمون دوربین واتسون (Durbin Watson) نیز بیانگر این بود که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و می‌توان از آزمون رگرسیون استفاده نمود. لذا، بعد از وارد کردن گام به گام ۸ سازه مستقل پژوهش به معادله رگرسیون، سازه‌های اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی، آموزشی و سابقه‌ی عضویت در صندوق با قدرت تبیین بیشتر متغیر وابسته یعنی موفقیت صندوق خرد زنان، در معادله باقی ماندند و در مجموع توانستند ۷۹/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته یعنی موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان را تبیین نمایند (جدول ۶).

نتایج رگرسیون برای گام‌های مختلف به شرح زیر است:

گام اول: در این مرحله سازه اجتماعی (X1)، به‌عنوان متغیر پیش‌بین a به معادله وارد شد. در این مرحله، با توجه به جدول ۶، ضریب همبستگی چندگانه عدد ۰/۸۵۲ و ضریب تبیین تعدیل‌شده عدد ۰/۷۲۶ را نشان می‌دهد. لذا، این گونه می‌توان استنباط نمود که سازه اجتماعی به‌تنهایی ۷۲/۶ درصد از واریانس (تغییرات) متغیر وابسته یعنی موفقیت صندوق خرد زنان عشایری را تبیین می‌کند.

گام دوم: در گام دوم، سازه روان‌شناختی (X2)، به‌عنوان متغیر پیش‌بین b به معادله اضافه شد. در این مرحله، با توجه به جدول ۶، ضریب همبستگی چندگانه عدد ۰/۸۷۸ و ضریب تبیین تعدیل‌شده عدد ۰/۷۶۹ را نشان می‌دهد؛ بنابراین، این گونه



## بررسی سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری استان فارس

برمی‌آید که سازه‌های روان‌شناختی و اجتماعی در مجموع ۷۶/۹ درصد از واریانس (تغییرات) متغیر وابسته یعنی موفقیت صندوق خرد زنان عشایری را تبیین می‌کنند.

گام سوم: در این گام، سازه اقتصادی (X3)، به‌عنوان متغیر پیش‌بین c به معادله اضافه شد. در این مرحله، با توجه به جدول ۶، ضریب همبستگی چندگانه عدد ۰/۸۸۸ و ضریب تبیین تعدیل شده عدد ۰/۷۸۷ را نشان می‌دهد؛ بنابراین، می‌توان گفت، سازه‌های اقتصادی، روان‌شناختی و اجتماعی در مجموع ۷۸/۷ درصد از واریانس (تغییرات) موفقیت صندوق خرد زنان عشایری را تبیین می‌کنند.

گام چهارم: در این گام، متغیر آموزشی (X4)، به‌عنوان متغیر پیش‌بین d به معادله اضافه شد. با توجه به جدول (۶)، ضریب همبستگی چندگانه عدد ۰/۸۹۲ و ضریب تبیین تعدیل شده عدد ۰/۷۹۴ را نشان می‌دهد؛ بنابراین، می‌توان گفت، چهار سازه آموزشی، اقتصادی، روان‌شناختی و اجتماعی در مجموع ۷۹/۴ درصد از واریانس (تغییرات) موفقیت صندوق خرد زنان عشایری را تبیین می‌کنند.

گام پنجم: در این گام، متغیر سابقه‌ی عضویت در صندوق خرد زنان (X5)، به‌عنوان متغیر پیش‌بین e به معادله اضافه شد. در این مرحله، با توجه به جدول ۶، ضریب همبستگی چندگانه عدد ۰/۸۹۴ و ضریب تبیین تعدیل شده عدد ۰/۷۹۶ را نشان می‌دهد؛ بنابراین، می‌توان گفت، سازه‌های سابقه‌ی عضویت در صندوق خرد زنان، آموزشی، اقتصادی، روان‌شناختی و اجتماعی در مجموع ۷۹/۶ درصد از واریانس (تغییرات) موفقیت صندوق خرد زنان عشایری را تبیین می‌کنند؛ بنابراین، پیش‌بین e با پنج متغیر ذکر شده، به‌عنوان مدل نهایی رگرسیون شناخته می‌شود.

جدول ۶- خلاصه مدل رگرسیون پیش‌بینی موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری و جدول (ANOVA)

مدل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تبیین (R Square)	ضریب تبیین تعدیل شده (Adjusted R Square)	تغییرات F	سطح معناداری	دوربین-واتسون (Durbin Watson)
۱	۰/۸۵۳ <sup>a</sup>	۰/۷۲۶	۰/۷۲۶	۸۷۳/۷۵۹ <sup>**</sup>	۰/۰۰۰	
۲	۰/۸۷۸ <sup>b</sup>	۰/۷۷۰	۰/۷۶۹	۵۴۹/۶۸۱ <sup>**</sup>	۰/۰۰۰	
۳	۰/۸۸۸ <sup>c</sup>	۰/۷۸۹	۰/۷۸۷	۴۰۸/۴۷۴ <sup>**</sup>	۰/۰۰۰	۲/۴۴
۴	۰/۸۹۲ <sup>d</sup>	۰/۷۹۶	۰/۷۹۴	۳۱۸/۳۲۱ <sup>**</sup>	۰/۰۰۰	
۵	۰/۸۹۴ <sup>e</sup>	۰/۷۹۹	۰/۷۹۶	۲۵۸/۵۹۸ <sup>**</sup>	۰/۰۰۰	

\*\* معناداری در سطح ۱ درصد

جدول ۷، بیانگر ضرایب متغیرها در معادله رگرسیون نهایی می‌باشد. در این جدول هر چه مقدار  $\beta$  و آماره t بزرگ‌تر و سطح معناداری کوچک‌تر باشد به این معنی است که متغیرهای مستقل تأثیر شدیدتری بر متغیر وابسته دارد. در این جدول نیز میزان  $\beta$  و t برای سازه اجتماعی ۰/۷۶۴ و ۲۰/۶۴۰، برای سازه روان‌شناختی ۰/۱۸۲ و ۵/۸۱۷، برای سازه اقتصادی ۰/۳۰۰ و ۶/۲۸۹، برای سازه آموزشی ۰/۱۷۹- و ۳/۴۶۴- و در نهایت، برای سابقه‌ی عضویت در صندوق خرد زنان عشایری ۰/۰۵۶ و ۲/۱۹۴ برآورد شده است که در مورد تمامی متغیرها، معناداری دارای سطح مطلوبی می‌باشد. به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت که هر پنج متغیر مستقل، تأثیر معناداری بر میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری دارند. همچنین با توجه به جدول ۷ می‌توان نتیجه گرفت که سازه اجتماعی فرهنگی ( $\beta = ۰/۷۶۴$ ) نسبت به سایر سازه‌ها سهم و نقش بیشتری در میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری دارد. به‌عبارتی به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار سازه اجتماعی فرهنگی به میزان ۰/۸۰۹ در انحراف معیار موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری تغییر ایجاد می‌گردد؛ بنابراین، معادله‌ای که می‌توان برای تخمین میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری در نظر گرفت به صورت زیر می‌باشد:

$$Y = \text{Constant} + B_1 X_1 + B_2 X_2 + \dots + B_n X_n$$

$$Y = -1/44 + 0/809 X_1 + 0/314 X_2 + 0/353 X_3 - 0/183 X_4 + 0/010 X_5$$



مقادیر مثبت ضریب (B) برای چهار سازه اجتماعی فرهنگی، روان‌شناختی، اقتصادی و سابقه‌ی عضویت زنان در صندوق اعتبارات خرد نیز نشان‌دهنده‌ی رابطه مثبت و مستقیم این سازه‌ها با متغیر وابسته‌ی موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری است، به طوری که با افزایش میزان هر یک از سازه‌ها میزان موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد نیز افزایش می‌یابد. در صورتی که در صندوق‌های خرد زنان عشایری توجهی به ارائه‌ی دانش در زمینه‌های مختلف از جمله آشنایی با مشاغل جدید، آموزش بازار فروش آنلاین و دانش بازاریابی برای اعضا نمی‌شود و همچنین آموزش‌های ضعیف و ناقصی که در زمینه‌های مختلف صورت گرفته، منجر به ایجاد بی‌اعتمادی اعضای صندوق‌ها به مسئولین مرتبط در این بخش شده و باعث ایجاد تأثیر منفی سازه آموزشی در موفقیت صندوق اعتبارات خرد شده است که هدایت و بالا بردن سطح آگاهی اعضای صندوق‌ها و همچنین ارائه‌ی آموزش‌های مستمر در ساختار این بخش و ایجاد اعتماد بین مسئولین مرتبط و زنان و در نهایت پذیرش آموزش‌های ارائه شده نیاز به متولی قوی و کارشناسانی پویا دارد.

جدول ۷- تبیین موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری از طریق سازه‌های تحقیق

متغیرهای مستقل	ضریب استاندارد نشده	ضریب استاندارد شده	آماره t	سطح معناداری
	ضریب ورود (B)	خطای معیار (Std. Error)	بتا (β)	
عدد ثابت	-۱/۴۴	۰/۲۳۲	۶/۲۱۸**	۰/۰۰۰
اجتماعی- فرهنگی	۰/۸۰۹	۰/۰۳۹	۱۶۴۰**	۰/۰۰۰
روان‌شناختی	۰/۳۱۴	۰/۰۵۴	۵/۸۱۷**	۰/۰۰۰
اقتصادی	۰/۳۵۳	۰/۰۵۶	۶/۲۸۹**	۰/۰۰۰
آموزشی	-۰/۱۸۳	۰/۰۵۳	۳/۴۶۴**	۰/۰۰۱
سابقه‌ی عضویت زنان در صندوق اعتبارات خرد	۰/۰۱۰	۰/۰۰۵	۲/۱۹۴**	۰/۰۲۹

متغیر وابسته: موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری \*\* معناداری در سطح ۱ درصد

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف بررسی سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری استان فارس انجام گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری استان فارس بالاتر از حد متوسط بوده است. بررسی ضرایب همبستگی نشان داد که بین موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری و سازه اقتصادی همبستگی مثبت و معنا-داری در سطح ۱ درصد وجود دارد، به عبارتی تقویت سازه‌های اقتصادی، موجب افزایش موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری می‌شود؛ بنابراین، موفقیت صندوق اعتبارات خرد درگرو رضایت زنان از مبلغ وام دریافت شده از صندوق، توانایی بازپرداخت اقساط وام و تناسب آن با وضعیت درآمدی زنان، رضایت از نرخ بهره‌ی وام دریافت شده از صندوق، افزایش دارایی زنان در خانواده و اختیار کامل آن‌ها در استفاده از وام می‌باشد. سعدی و عرب مازار (۱۳۸۴)، فوادی و همکاران (۱۳۹۰)، احمدپور و همکاران (۱۳۹۳)، قدیری معصوم و احمدی (۱۳۹۴)، لشگرآرا و همکاران (۱۳۹۹)، شارما و کانتا وارما (Sharma & Kanta Varma, 2008)، هوگ و ایتوهازا (Hoque & Itoharu, 2009)، رکسین و همکاران (Roxin et al., 2010)، فاسورانته (Fasoranti, 2010)، تروملرووا و همکاران (Trommlerová et al., 2015) و کومار سدای و همکاران (Kumar Sedai et al., 2021) نیز در پژوهش‌های خود به نتیجه‌ی مشابهی دست یافتند. همچنین بین سازه اجتماعی فرهنگی و موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری، همبستگی مثبت و معناداری در سطح ۱ درصد برقرار گردید. از این رو، با تقویت ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی، میزان موفقیت صندوق خرد زنان عشایری نیز افزایش می‌یابد. به عبارتی حضور زنان عشایر در مجامع



عمومی و آزادی‌های اجتماعی آن‌ها، موجب می‌شود که آن‌ها با مشاهده‌ی شرایط زنان در مناطق روستایی و شهری و موقعیت‌های اجتماعی برخی از زنان موفق، از قابلیت‌های خودآگاه شوند و برای دستیابی به موقعیت‌های بهتر تلاش کنند که این مسئله نیز موفقیت صندوق خرد را به دنبال خواهد داشت. این نتیجه با برخی پژوهش‌های پیشین نظیر احمدپور و همکاران (۱۳۹۳)، لشگرآرا و همکاران (۱۳۹۹)، بابایی امین و همکاران (۱۳۹۹)، تیفور و هافیز (Twyeafur & Hafiz, 2012) نیز مطابقت دارد. با این حال، برخی از مطالعات دیگر نشان می‌دهند که تقویت ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی لزوماً به‌طور مستقیم منجر به موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان نمی‌شود و می‌توان به پژوهش‌های هوگ و ایتوها (Hoque & Itohara, 2009) و رکسین و همکاران (Roxin et al., 2010) اشاره نمود. از سوی دیگر، همبستگی سازه حمایتی با موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان مثبت و در سطح ۱ درصد معنادار می‌باشد، یعنی افزایش میزان سازوکارهای حمایتی، موجب افزایش موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری می‌شود. احمدپور و همکاران (۱۳۹۳) و قدیری معصوم و احمدی (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خود به اثر سازه حمایتی بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان اشاره کرده‌اند. همچنین همبستگی مثبت و معنادار بین سازه روان‌شناختی با موفقیت صندوق خرد زنان عشایری در سطح ۱ درصد برقرار گردید که این یافته پژوهش با یافته‌های لشگرآرا و همکاران (۱۳۹۹)، بابایی امین و همکاران (۱۳۹۹)، کومار و همکاران (Kumar et al., 2013) و کومار سدای (Kumar Sedai et al., 2021) که بیان داشته‌اند سازه روان‌شناختی و به‌عبارتی ویژگی‌های شخصیتی زنان با موفقیت صندوق اعتبار خرد دارای همبستگی مثبت و معنادار است همخوانی دارد. افزون بر این، همبستگی مثبت و معنادار بین سازه آموزشی با موفقیت صندوق اعتبارات خرد در سطح ۱ درصد برقرار گردید. از همین رو، می‌توان به نقش مهم و سازنده‌ی سازمان‌های مرتبط با امور عشایر در افزایش آگاهی و اطلاعات زنان در زمینه‌ی اعتبارات خرد در راستای کمک به موفقیت این صندوق‌ها اشاره نمود. به‌عبارتی موفقیت این صندوق‌ها با غنی کردن بسترهای آموزشی افزایش می‌یابد. فوادی و همکاران (۱۳۹۰)، احمدپور و همکاران (۱۳۹۳)، قدیری معصوم و احمدی (۱۳۹۴)، شریفی و همکاران (۱۳۹۴)، فراشی و همکاران (۱۳۹۸)، تیفور و هافیز (Twyeafur & Hafiz, 2012) و کریتی و ساکوا (Kireti & Sakwa, 2014) این نتیجه را تأیید می‌کنند. از طرفی متغیر وضعیت تأهل زنان نیز با موفقیت صندوق اعتبارات خرد دارای همبستگی مثبت و معنادار در سطح ۱ درصد می‌باشد. تروملرووا و همکاران (Trommlerová et al., 2015) نیز در پژوهش خود بیان نمودند که وضعیت تأهل زنان از شاخص‌های مهم در موفقیت صندوق خرد می‌باشد. این‌گونه می‌توان بیان نمود که بیشتر زنان مجرد در هر جامعه‌ای سرگرم درس و تحصیل هستند و اولویت نخست خود را تحصیل می‌دانند و وقت آزاد زیادی برای ایجاد مشاغل خانگی و حمایت از صندوق خرد زنان ندارند. در نهایت همبستگی مثبت و معنادار بین میزان وام دریافت شده با موفقیت صندوق خرد زنان عشایری در سطح ۵ درصد برقرار گردید؛ بنابراین، هر چه میزان مبلغ وام بالاتر باشد میزان موفقیت صندوق خرد نیز بالاتر می‌رود و به‌عبارتی هر چه مبلغ وام بیشتر باشد احتمال ایجاد مشاغل درآمدزا توسط زنان نیز بیشتر شده و افزایش قدرت ریسک‌پذیری و همچنین سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی که سبب توانمندی آنان می‌شود افزایش می‌یابد. همچنین افزایش درآمد ناشی از ایجاد شغل جدید سبب افزایش رضایت از زندگی و بهبود کیفیت زندگی زنان و همچنین بهبود نگرش آنان نسبت به صندوق اعتبارات خرد و به دنبال آن موفقیت این صندوق‌ها خواهد شد. در تحقیق فراشی و همکاران (۱۳۹۸)، بابایی امین و همکاران (۱۳۹۹)، تیفور و هافیز (Twyeafur & Hafiz, 2012) و کوموری و همکاران (Kuumuori et al., 2014) نیز میزان وام دریافت شده به‌عنوان عاملی مؤثر در موفقیت صندوق خرد زنان اشاره شده است.

نتایج رگرسیون چندگانه به روش گام به گام نشان داد که سازه‌های اجتماعی فرهنگی، روان‌شناختی، اقتصادی، آموزشی و سابقه‌ی عضویت در صندوق، ۷۹/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری را تبیین می‌کنند که با یافته‌های کوشکی و همکاران (۱۳۹۰)، احمدپور و همکاران (۱۳۹۳)، قدیری معصوم و احمدی (۱۳۹۴)، لشگرآرا و همکاران (۱۳۹۹) و فاسورانتی (Fasoranti, 2010) مطابقت دارد، چراکه آن‌ها دریافتند سازه‌های اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی و آموزشی از عوامل مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان می‌باشند. از طرفی سابقه‌ی عضویت در صندوق نیز یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان می‌باشد. به‌عبارت دیگر، آن دسته از اعضای که سابقه‌ی بیشتری در صندوق داشته‌اند نسبت به اعضای کم سابقه توانمندتر شده‌اند. در تفسیر این یافته می‌توان



این گونه توضیح داد که توانمندی زنان و به دنبال آن موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد یک فرآیند است که اجرای این فرایند مستلزم گذشت زمان می‌باشد، لذا افزایش سابقه‌ی عضویت اعضا، موفقیت صندوق اعتبارات خرد و ماندگاری آن‌ها را به دنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر افرادی که سابقه‌ی بیشتری در صندوق دارند، تجارب بالایی را در زمینه‌ی فعالیت‌های مناسب تولیدی کسب نموده‌اند. این افراد از شکست‌های خود در گذشته درس گرفته و لذا وام دریافتی را در زمینه مناسبی سرمایه‌گذاری می‌کنند. بابایی امین و همکاران (۱۳۹۹) و تیغور و هافیز (Twyeafur & Hafiz, 2012) این نتیجه را تأیید می‌کنند.

بر اساس نتایج حاصله در این تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- با توجه به اینکه از بین سازه‌های مورد مطالعه، سازه آموزشی در وضعیت نامناسبی قرار دارد و از طرفی وجود همبستگی مثبت و معنادار بین سازه آموزشی و موفقیت صندوق خرد زنان و همچنین با توجه به اینکه عمدتاً زنان عشایر دارای سواد کم می‌باشند و شناخت آنان در زمینه‌ی شغل‌های پایدار و درآمدزا کم است، در این زمینه برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی در خصوص معرفی کسب‌وکارهای درآمدزا و پایدار به متقاضیان دریافت‌کننده‌ی اعتبارات خرد از سوی نهادهای پرداخت‌کننده‌ی اعتبار و یا سازمان‌های مرتبط و برگزاری دوره‌های آموزشی مدیریت کسب‌وکار و بازاریابی پیشنهاد می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در طرح اعتبارات خرد توسط دفتر امور زنان روستایی و عشایر وزارت جهاد کشاورزی بازنگری و بودجه و اقدامات مؤثری برای آموزش اعضای این صندوق‌ها پیش‌بینی شود.

- با توجه به نقش برجسته میزان وام دریافت شده در موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان عشایری، پیشنهاد می‌شود موجودی صندوق اعتبارات خرد به همراه اقساط بلندمدت افزایش داده شود، زیرا راه‌اندازی شغل از طریق وام‌های اندک و با وجود تورم و بحران اقتصادی کنونی امکان‌پذیر نیست. همچنین شناسایی خیرین و راهنمایی آن‌ها به منظور سرمایه‌گذاری در صندوق، موجب موفقیت روزافزون صندوق در وام‌دهی به اعضا با مبالغ بیشتر خواهد شد.

- با توجه به اینکه سازه اجتماعی فرهنگی در گام اول رگرسین موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان وارد شد، پیشنهاد می‌شود که طرح‌ها و برنامه‌های امور زنان عشایری که نیازمند وجود بستر مشارکت هستند، به اعضای صندوق اعتبارات خرد واگذار شوند تا ضمن درآمدزایی بیشتر برای اعضای صندوق، موفقیت طرح‌ها و همچنین صندوق اعتبارات خرد نیز بیشتر تضمین گردد.

## منابع

- احمدپور، ا.، عبدی ترکامی، م.، و سلطانی، ش. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی شهرستان قائمشهر. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۴۵-۲۳.
- اداره کل امور عشایر استان فارس. (۱۳۹۲). مسیر ایل‌راه و اتراق گاه‌های عشایر استان فارس. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <http://www.ashayr.ir>.
- اداره کل امور عشایر استان فارس. (۱۴۰۱). اداره مطالعات اداره کل امور عشایر فارس.
- امینی، ع.، و طاهری، ع. ح. (۱۳۹۵). تحلیلی بر نقش‌پذیری زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه مناطق روستایی بخش سیمکان در شهرستان جهرم). *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۵۱-۳۷.
- بابایی امین، م.، برادران، م.، و فروزانی، م. (۱۳۹۹). ارزیابی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در استان لرستان. *فصلنامه روستا و توسعه*، دوره ۲۳، شماره ۹۰، صص ۱۵۶-۱۳۵.
- جمشیدی، م.، و جمشیدی، ع. ر. (۱۳۹۶). واکاوی چالش‌های اشتغال و درآمدزایی زنان منطقه عشایری زردلان (معرفی رویکرد کیفی نظریه زمینه‌ای به مطالعات جغرافیای روستایی). *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۲۸-۱۰۹.



سعدی، ح.، و عرب مازار، ع. (۱۳۸۴). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی (تجربه‌ی بانک کشاورزی). در مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی، مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی، تهران. شریفی، ز.، ایروانی، ه.، و دانشور عامری، ژ. (۱۳۹۴). تحلیل عوامل پیش‌برنده و بازدارنده‌ی توسعه‌ی اشتغال زنان روستایی شهرستان نجف آباد. زن و جامعه، دوره ۶، شماره ۱، ۱-۲۰.

فراشی، م.، رحیمیان، م.، و غلامرضایی، س. (۱۳۹۶). اعتبارات خرد، توانمندی یا ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی: مورد مطالعه شهرستان نهاوند. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۰۴.

فراشی، م.، رحیمیان، م.، و غلامرضایی، س. (۱۳۹۸). تحلیل عوامل اثرگذار بر توانمندسازی زنان روستایی دریافت‌کننده‌ی اعتبارات خرد در شهرستان نهاوند. *فصلنامه زن و جامعه*، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۹۷-۱۲۰.

فواندی، ف.، چهارسوقی امین، ح.، و علی‌پور، ح. (۱۳۹۰). عوامل تأثیرگذار بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی (مطالعه موردی پروژه بین‌المللی ترسیب کربن). *فصلنامه روستا و توسعه*، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۴۹-۶۵.

قدیری معصوم، م.، و احمدی، ا. (۱۳۹۴). سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان فیروزکوه. *مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره ۴۷، شماره ۴، صص ۷۷۲-۷۵۹.

کوشکی، ف.، ایروانی، ه.، و کلانتری، خ. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی (مطالعه‌ی موردی استان کرمانشاه). *روستا و توسعه*، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۳۳-۱۵.

لشگرآرا، ف.، شجاع چاغروند، ک.، و محمودی، م. (۱۳۹۹). سازه‌های مؤثر بر توانمندی اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان فیروزکوه. *مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۶۳-۷۰.

محمدی، ی.، عوافی اکمل، ف.، ضمیری آراسته، م.، و رحیمیان، م. (۱۳۹۸). تحلیل عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر توانمندی زنان روستایی دریافت‌کننده‌ی اعتبارات خرد (مورد مطالعه استان‌های کرمانشاه و همدان). *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۶۵-۷۹.

مرکز آمار ایران. (۱۴۰۰). نتایج ثبت پایه‌ی جمعیت عشایر کوچنده کشور سال ۱۴۰۰. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://www.amar.org.ir>.

مظفر امینی، ا.، و احمدی شاپور آبادی، م.، ع. (۱۳۸۸). خود اتکایی اقتصادی زنان روستایی و تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر آن (مطالعه موردی در دو منطقه جلگه‌ای و کویری مرکز استان اصفهان). *نشریه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۷، شماره ۴، صص ۲۹-۷.

مظفری، م.، و ضیائی، م.، ص. (۱۳۹۶). بررسی اثرات صندوق اعتبارات مالی خرد بر میزان توانمندسازی مدیریتی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه الموت). *فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری*، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۲۳۱-۲۴۹.

نامجویان شیرازی، ز.، عباسی، ص.، و دهقانپور، م. (۱۳۹۳). توانمندسازی زنان روستایی از طریق تشکیل صندوق‌های حمایت از توسعه فعالیت‌های کشاورزی. اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، مشهد، ۲۳ مهر. صص ۱۸-۱.

Fasoranti, M. M. (2010). The influence of micro-credit on poverty alleviation among rural dwellers: A case study of Akoka North West Local Government Area of Ondo State. *African Journal of Business Management*, 4(8), 1438-1446.

Habibi, M., and Zandieh, M. (2011). Rural women participation and employment in Iran. *Journal of American Science*, 7(6), 337-341.

Hoque, M., and Itohara, Y. (2009). Women empowerment through participation in micro-credit programme: A case study from Bangladesh. *Journal of Social Sciences*, 5(3), 244-250.

Ikemi, M. (2011). A challenge of microcredit program in rural Africa, *Econ. Journal of Hokkaido University*, 5(40), 15-28.

Jackson, M. (2010). Empowering women of Nepal: An experience of empowerment in the land of the Himalaya. Master's Thesis, Prescott College in Adventure Education.





- Kireti, G. w., and Sakwa, M. (2014). Socio-economic effects of microfinance services on women: The case of Rosewo microfinance, Nakuru County, Kenya. *International Journal of Academic Research in Economics and Management Sciences*, 3(3), 43-59.
- Kumar Sedai, A., Vasudevan, R., and Alves Pena, A. (2021). Friends and benefits? Endogenous rotating savings and credit associations as alternative for women's empowerment in India. *World Development*, (145), 1-41.
- Kumar, D., Hossain, A., and Gope, M, C. (2013). Role of micro credit program in empowering rural women in Bangladesh: A study on Grameen Bank Bangladesh Limited. *Asian Business Review*, 3(6), 114-120.
- Kuumuori, J., Kwadwo, G. A., and Alexander, Y. (2014). Microcredit: Empowerment and disempowerment of rural women in Ghana. *World Development*, 66 (3), 335-345.
- Mayoux, L. (1998). Participatory programme learning for womens empowerment in micro-finance programmes: Negotiating complexity, conflict and change. *IDS Bulletin*, 29, 39-50.
- Nor, N. H. M., Rashid, S. N. M., Nawawi, R., Ishak, F. M., and Zain, M. S. M. (2012). Women entrepreneurship in micro credit performance: The preliminary study in Kelantan, Knowledge Management International Conference (KMICE), Johor Bahru, Malaysia, 4 – 6 July 2012. Available at: <<http://www.kmice.cms.net.my/ProcKMICE/KMICE2012/PDF/CR300.pdf>>.
- Orlando, A., and Susanto, R. (2019). Mekanisme pencairan kredit usaha Rakyat Pada Pt. Bank Rakyat Indonesia Unit Lubuk Buaya. OSF Preprints zuv2y, Center for Open Science. DOI: 10.31219/osf.io/zuv2y.
- Roxin, H., Berkmüller, H., Koller, P. J., Lawonn, J., Pooya, N., and Schappert, J. (2010). Economic empowerment of women through microcredit. The case of the microfinance investment and technical assistance facility (MITAF). Humboldt Universitätzu Berlin SLE– Postgraduate Studies on International Cooperation, 1- 143.
- Rubel, M. R. I., Haque, M. M., and Khondaker, M. E. A. (2019). The effects of microcredit on the empowerment of women in northern region of Bangladesh. *International Journal of Science and Business*, 3(6), 191-202.
- Sharma, P., and Kanta Varma, Sh. (2008). Women empowerment through entrepreneurial activities of self help groups Indian Res. J. Ext. Edu. 8 (1), January 2008.
- Trommlerová, S. K., Klasen, S., and Leßmann, O. (2015). Determinants of empowerment in a capability-based poverty approach: Evidence from The Gambia. *World Development*, 66, 1-15.
- Twyeafur, M. R., and Hafiz, T. K. (2012). The effectiveness of the microcredit programme in Bangladesh. *Local Economy*, 28(1), 85-98.
- Zahid Mahmood, H., Abbas, K., and Fatima, M. (2017). Islamic microfinance and household welfare nexus: Empirical investigation from Pakistan. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 7(18), 1-15.



Article Type: Research Article

DOR: [20.1001.1.20081758.1401.18.2.10.5](https://doi.org/10.20081/758.1401.18.2.10.5)

## Factors Affecting the Success of Nomadic Women's Micro-Credit Funds: The Case of Fars Province

M. Khosrowjerdi<sup>1</sup>, M. Nooripoor<sup>2\*</sup> and A. Karami- Kaloos<sup>3</sup>

(Received: Jul. 20. 2022; Accepted: Nov. 14. 2022)

### Abstract

The aim of this study was to investigate factors affecting the success of nomadic women's micro-credit funds in Fars province. This research used a quantitative approach which was conducted using a survey method. The data were obtained via a questionnaire from 331 nomadic women being member of micro-credit funds in Fars province. These women were sampled using Cochran's formula and a stratified sampling approach with proportional assignment. Face validity of the questionnaire was confirmed by the specialists of rural development and agricultural extension of Yasouj University. Reliability of the research tool was confirmed by conducting a pre-test study and calculating Cronbach's alpha indices (0.712 to 0.911). The results showed that there is a positive and significant relationship at the level of 1% between economic, socio-cultural, psychological, supportive and educational factors and "the success of nomadic women's micro-credit funds as the dependent variable. Moreover, the success of nomadic women's micro-credit funds can be attributed to the socio-cultural, psychological, economic, educational and membership constructs of the fund, which in balance could explain 79.6% of the variance of the success of nomadic women's micro-credit funds. According to the results, in order to promote the success of the micro-credit funds, it is recommended to be held some classes and training courses on introducing income-generating and sustainable businesses. In addition, increasing low-interest loans and identifying donors and guiding them to invest in the funds are further solutions for improving the performance of micro-credit funds.

**Keywords:** Fars, Microcredits, Nomadic women, Success.

---

<sup>1</sup> Ph.D. Student of Rural Development. Faculty of Agriculture. Yasouj University. Yasouj, Iran.

<sup>2</sup> Associate Professor of Agricultural Extension and Rural Development. Faculty of Agriculture. Yasouj University. Yasouj, Iran.

<sup>3</sup> Associate Professor of Agricultural Economics. Faculty of Agriculture. Yasouj University. Yasouj, Iran.

\* Corresponding Author, Email: [mnooripoor@yu.ac.ir](mailto:mnooripoor@yu.ac.ir)

